

www.ketab.ir

محمد عابد جابری
خوانشی نوین از
فلسفه مغرب و اندلس
ترجمه سید محمد آل مهدی



جابری، محمدعابد ۱۳۳۶ هـ. م. خوانشی نوین از فلسفه مغرب و اندلس / ترجمه سید محمد آل‌مهملی، تهران: نشر ثالثه ۱۳۹۱. ۳۷ ص. عنوان اصلی: نحن و التراث شابک ۷-۸۰۳-۳۸۰-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978-964-380-803-7	
۱. فلسفه اسلامی، آل‌مهملی، سید محمد ۱۳۳۰ هـ. ، مترجم ج ۱ / ۱۳۹۱ خ ISBN 978-964-380-803-7	



دفتر مرکزی، خیابان کریمخان زند، پیرایه‌شهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه چهارم / تلفن: ۸۸۳۰۲۴۳۷
فروشگاه، خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۲۸ / تلفن: ۸۸۳۲۵۲۷۶-۷

محمدعابد جابری
نحن و التراث
قراءات معاصرة في تراثنا الفلسفي
المركز الثقافي العربي بيروت-لبنان ۲۰۰۶

□ خوانشی نوین از فلسفه مغرب و اندلس

● محمدعابد جابری ● ترجمه سید محمد آل‌مهملی ● ناشر، نشر ثالث

● مجموعه فلسفه و علوم اجتماعی ● دبیر مجموعه، علیرضا جابری

● چاپ اول، ۱۳۹۱ / ۱۱۰۰ نسخه

● لیتوگرافی، ثالث ● چاپ: سازمان چاپ احمندی ● صحافی، میتو

● کلیه حقوق چاپ محفوظ و متعلق به نشر ثالث است

ISBN 978-964-380-803-7

شابک ۷-۸۰۳-۳۸۰-۹۶۴-۹۷۸

پست الکترونیک: info@salesspub.co

سایت اینترنتی: www.salesspub.co

● قیمت: ۸۵۰۰ تومان

فهرست

- یادداشت مترجم ۹
- فصل اول: پیدایش فلسفه در مغرب و اندلس ۱۳
- ابن باجه و تدبیر المتوحد ۱۳
۱. از باطن گرایی اسماعیلی... تا فلسفه اشراقی ۱۶
۲. راهیابی به فلسفه علمی برهانی ۲۱
۳. رساله تدبیر المتوحد، تلاش برای خوانشی نوین ۳۱
- وحدت اپیستمولوژی و ایدئولوژی ۶۵
- فصل دوم: فلسفه در مغرب و اندلس، طرح خوانشی نوین از فلسفه ابن رشد ۷۷
۱. وحدت روش در اندیشه نظری مشرق: متعلق سه ارزشی ۸۰
۲. ساختار فکری نظری در مشرق: مفاهیم و ویژگی عام آن ۸۶
۳. دشواری نظری: مشکلات اجتماعی در مشرق و مغرب ۹۹
۴. «فصل المقال» گفتاری در روش... و دیدگاه اکسیومی ۱۱۲
۵. تحلیل قول دینی و شرایط خاص و عام، ظاهر و باطن تأویل ۱۱۹
۶. عقل گرایی در مغرب و مشرق ۱۲۷
۷. مدرسه فلسفی مغرب و انقلاب موحدین ۱۳۲

۱۴۹	فصل سوم: اپیستمولوژی معقول و نامعقول در مقدمه ابن خلدون
۱۴۹	۱. مشکل اپیستمولوژیک در پروژه ابن خلدون
۱۵۶	۲. دوگانگی عقل و نفس در اپیستمولوژیک خلدونی
۱۶۴	۳. نقش عقل در علوم نقلی: علم کلام و پایان مأموریت آن
۱۷۱	۴. نقش نفس در علوم نقلی: تصوف و تعبیر رؤیا
۱۷۸	۵. حدود عقل در علوم عقلی
۱۹۲	۶. نقش نفس در علوم عقلی: جادو...
۱۹۶	۷. بُعد اجتماعی-تاریخی در اپیستمولوژی خلدونی
۲۰۳	۸. ارزش اپیستمولوژی خلدونی و جایگاه آن در سیاق رشد اندیشه اسلامی

فصل چهارم: آنچه از خلدون گرای باقی مانده است، طرح خوانشی انتقادی از

۲۲۷	اندیشه ابن خلدون
۲۲۹	۱. عینی و ذهنی در دشواری ابن خلدون
۲۳۷	۲. ناهمگونی پروژه خلدونی و بازمانده‌های اپیستمولوژیک آن
	۳. خلدون گرایی نشان از واقعیتی دارد که زندگی می‌کنیم و
۲۴۴	از آن سخن نمی‌گوییم
۲۵۵	۴. خلدون گرایی... و ناگفته‌های آن

۲۶۳	نمایه اسامی
۲۶۹	نمایه موضوعی

یادداشت مترجم

کتاب پیش رو، بخش دوم کتاب *نقد و التراث (ما و میراث فلسفی مان)* اثر زنده‌یاد جابری، اندیشمند مغربی است. بخش اول آن تحت عنوان خوانشی نوین از فلسفه فارابی و ابن سینا به همین قلم، ترجمه شد و نشر ثالث زحمت انتشار آن را به عهده گرفت.

کتاب *ما و میراث فلسفی مان*، اساساً چهار سخنرانی است که در سال‌هایی دور از هم، ایراد شده‌اند و چون هر یک با استقبال فراوان مواجه شدند و هیاهویی به پا کردند، در کتابی گردآوری شدند که چندین بار به زبان عربی تجدید چاپ و به چند زبان ترجمه شد.

کسانی که روند فکری جابری را دنبال کرده‌اند، به خوبی آگاهند که آثار او مجموعه‌ای از نقد میراث یا به گفته خود او، واکاوی سنت است.

نقد جابری مبتنی بر دورداشت بخش شفاهی و تکیه بر اندیشه رسمی و فرهیخته است و تنها متونی را در پژوهش خود مورد واکاوی قرار داده است که آگاهانه این سنت را به کار گرفته و بازتولید کرده‌اند. خواننده دل‌آگاه و دانای راه، به خوبی می‌تواند رد پای این نقد را حتی از نخستین کتاب‌های او

که بیش‌تر در مورد مشکلات آموزشی نوشته شده‌اند، پیدا کند: نقدی که خواهان بازسازی است. جابری با گذر از نقد، در پی کنار گذاشتن میراث نیست، بلکه نقد می‌کند و از خود جدا می‌سازد تا دگرباره به آن بازگردد. او در این کتاب نیز با همین هدف به دوره‌ای از فلسفه پرداخته است که به «فلسفه اسلامی» شهرت دارد. این بار اما به جای فارابی و ابن سینا، به ابن باجه و ابن رشد و ابن خلدون پرداخته و فلسفه مغرب و اندلس را مورد واکاوی قرار داده است. اما نگاه جابری به فلسفه مغرب و اندلس، نگاهی متفاوت است. جابری فلسفه مغرب و اندلس را نه امتداد طبیعی فلسفه مشرق بلکه انقلابی علیه فلسفه مشرق می‌داند و معتقد به گسست معرفت‌شناختی بین این دو است. جابری برای اثبات چنین ادعایی دلایل بسیاری مطرح می‌کند که شرایط و عوامل سیاسی اجتماعی و فرهنگی مغرب و اندلس در دورهٔ موحدین و انقلاب فرهنگی آن دوره از مهم‌ترین آن‌هاست.

جابری می‌گوید درست است که بغداد در مشرق، مرکز اصلی فرهنگ عربی-اسلامی به شمار می‌آمد و نسبت به قرطبه-فاس، از پیشینهٔ بیش‌تری برخوردار بود و حتی به مراکز دیگر در زمینهٔ علوم عقلی و نقلی یاری می‌رساند و از پرتو چنین مدهایی این اندیشه رواج یافته بود که همهٔ تألیفات مغرب، تکرار نوشته‌های مشرق است و حتی یکی از علمای مشرق به هنگام مطالعهٔ یکی از تألیفات مغرب اسلامی گفته بود: «کالاهای مست که به ما بازگردانده شده است»، اما این سخنان تا پیش از دورهٔ دولت موحدین درست بود. جنبش اصلاحی ابن تومرت اوضاع را به کلی تغییر داد؛ جنبشی که ابن تومرت به پا کرد و به سرعت و تحت تأثیر عوامل سیاسی به انقلابی فرهنگی تبدیل شد که شعار آن ترک تقلید از مشرقیان، بازگشت به اصول و برپایی فرهنگ اسلامی اصیل بود. انقلابی که با ابن تومرت آغاز شد و با ابن رشد و شاگردان او به کمال رسید. از سوی دیگر به سبب وجود قومیت‌ها و فرهنگ‌های

متعدد در مشرق، این بخش از جهان اسلام از گسیختگی سیاسی-اجتماعی رنج می‌برد و فلاسفه آن به دنبال سازگارگری^۵ دین و فلسفه بودند تا بدین وسیله وحدت نظری ایجاد کنند که یکپارچگی اجتماعی سیاسی و وحدت جامعه و دولت را به دنبال داشته باشد؛ درحالی که مغرب و اندلس دورهٔ موحدین از چنین گسیختگی رنج نمی‌برد. از این رو، فلاسفهٔ مغرب و اندلس، نیازی به ادغام فلسفه در دین و دین در فلسفه نداشتند و از این دشواره رها بودند.

به سبب همین نوآوری در پژوهش جابری که با نظر پژوهشگران و اندیشمندان بسیاری در حوزهٔ فلسفهٔ مغرب و اندلس متفاوت است، در ترجمهٔ عنوان پیش رو، «خوانش نوین» به عنوان اصلی اضافه شده است. همچنین تلاش شده جهت حفظ سبک کتب، ترجمهٔ عباراتی را که جابری برای استناد بر آن‌ها از کتاب‌های مقدمه روحی ابن یقظان (زنده پورییادار) آورده است، از ترجمه‌های معتبر محمد پروین گنابادی و هژولانفر، یاری جویم.

فرجام سخن آن که مایلم از همهٔ دست‌اندرکاران نشر ثالث به ویژه نازنین دوستم علیرضا جاوید، تشکر کنم.

سید محمد آل‌مهدی

پاییز ۱۳۹۰

۵. توفیق به معنای سازگاری است اما چون جابری دین و فلسفه را با یکدیگر سازگار نمی‌داند مترجم آن را به سازگارگری ترجمه کرده است.